



The Role of Ahmad ibn Hanbal's Beliefs in Dealing with Historical Narratives related to the First Caliphs

Mohammad Hossein Kazemi¹ Seyyed Hossein Fallahzadeh²

1. Ph. D in history of Islam, Baqir al-Olum university, Qom, Iran. Email: kmohamadhosein@ymail.com
2. Associate professor of Baqir al-Olum University, Qom, Iran. Email: fallahzadeh@bou.ac.ir

Abstract:

The narrations provided by Ahmad ibn Hanbal (241 A. H) about the first caliphs would be accessible in his works and those of the hadith scholars. Based on these works, the present study examines his beliefs about the first caliphs in four axes: companionship, order of grace, caliphate and the how of remembering them. To achieve this goal, the data has been collected by the library method and then explained by the descriptive-analytical method of research. This research clarifies that Ahmad bin Hanbal adheres to the special position of early caliphs in terms of companionship, to the grace of early caliphs towards Amir al - Momenin (A. S) regarding order of grace and superiority, and to the order of occurrence of historical events in the statement of events and to the narration of virtues and avoidance of backbiting in remembering of caliphs.

Keywords: Ali (A.S), Ahmad ibn Hanbal, first caliphs, Islamic historiography.

Article Info:

Article type: Research Article

Article history: Received June, 22, 2020

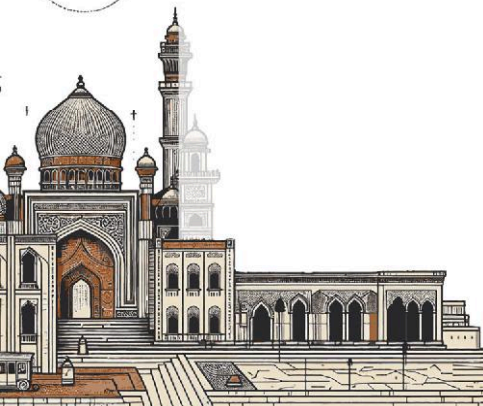
Received in revised form September, 27, 2020

Accepted October, 15, 2020

Published online March 29, 2024

Cite this article:

Kazemi, M.H., Fallahzadeh, S.H. (2024). The Role of Ahmad ibn Hanbal's Beliefs in Dealing with Historical Narratives related to the First Caliphs. *History of Islam*, 25(1), 75-100. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.57470.2032>



Bagher Al-Olum
University



ISSN
2783-414X



دور معتقدات أحمد بن حنبل في بيان الروايات التاريخية المرتبطة بالخلفاء الأوائل

محمد حسين كاظمي^١ السيد حسين فلاحزادة^٢

١. دكتوراه تاريخ الإسلام، جامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، إيران. (الكاتب الرئيسي) البريد الإلكتروني: kmohamadhosein@ymail.com

٢. أستاذ مساعد في جامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، إيران. البريد الإلكتروني: fallahzadeh@bou.ac.ir

الملخص:

يمكن الاطلاع على الروايات المنقولة عن أحمد بن حنبل (٢٤١ق) المرتبطة بالخلفاء الأوائل، في تأليفاته و تأليفات المحققين الآخرين. تبحث هذه المقالة في اعتقادات ابن حنبل حول الخلفاء الأوائل، من خلال أربعة محاور: اعتبارهم صحابة، ترتيب الفضل، الخلافة، وكيفية ذكرها. للوصول الى هذا الهدف تم البحث في المعطيات الموجودة في الكتب، ثم بيان ذلك من خلال المنهج الوصفي التحليلي. يظهر من خلال هذا البحث أن أحمد بن حنبل فيما يتعلق بموضوع اعتبار الخلفاء صحابة، قام بالإشارة الى مكانتهم الخاصة، بالإضافة الى ترتيب الفضل من خلال اعتقاده بأفضلية الخلفاء الثلاثة على أمير المؤمنين علي عليه السلام، كما أنه قام بذكر الوقائع التاريخية المرتبطة بأيام الخلافة بالترتيب، مع نقل فضائل الخلفاء من دون التطرق الى الحديث عنهم بشكل سلبي.

الكلمات المفتاحية: علي عليه السلام، أحمد بن حنبل، الخلفاء الأوائل، التاريخ الإسلامي.

اطلاعات المقالة:

نوع المقالة: بحثية

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٠/٠٦/٢٢ | تاريخ المراجعة: ٢٠٢٠/٠٩/٢٧ | تاريخ القبول: ٢٠٢٠/١٠/١٥ | تاريخ النشر: ٢٠٢٤/٠٣/٢٩

استشهاد به هذا المقال:

كاظمي، محمد حسين؛ فلاحزادة، السيد حسين (٢٠٢٤). دور معتقدات أحمد بن حنبل في بيان الروايات التاريخية المرتبطة بالخلفاء الأوائل. تاريخ الإسلام. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.57470.2032>. ٧٥-١٠٠. (١)٢٥

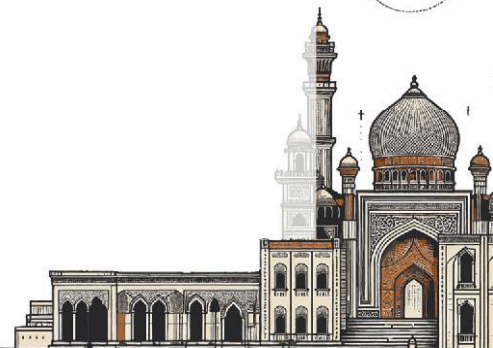


بیت پژوهش



ISSN إلكتروني
٢٧٨٣-٤١٤٧

الناشر: جامعة باقر العلوم عليه السلام. © المؤلفون.





نقش باورهای احمدبن حنبل در مواجهه او با روایات تاریخی مربوط به

خلفای نخستین

محمدحسین کاظمی^۱ سید حسین فلاحزاده^۲

۱. دکترای تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: kmohamadhosein@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران. رایانامه: fallahzadeh@bou.ac.ir

چکیده:

روایات نقل شده از احمدبن حنبل (۲۴۱ق) در مورد خلفای نخستین، در آثار او و محدثان قابل دسترسی است. پژوهش حاضر، با تکیه بر این آثار، باورهای او در مورد خلفای نخستین را در چهار محور: صحابه بودن، ترتیب فضل، خلافت و چگونگی یادکرد آنان بررسی می کند. برای رسیدن به این هدف، داده ها با روش کتابخانه ای گردآوری شده و سپس، با روش توصیفی - تحلیلی تبیین گردیده است. این پژوهش، نشان می دهد احمدبن حنبل در صحابه بودن خلفای نخستین به جایگاه ویژه آنها، در ترتیب فضل به افضلیت سه خلیفه نخست بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در بیان رویدادهای ایسام خلافت به ترتیب وقوع تاریخی رویدادها، و در یادکرد خلفا به نقل فضایل و پرهیز از بدگویی، پایبند است.

کلیدواژه ها: علی علیه السلام، احمدبن حنبل، خلفای نخستین، تاریخ نگاری اسلامی.

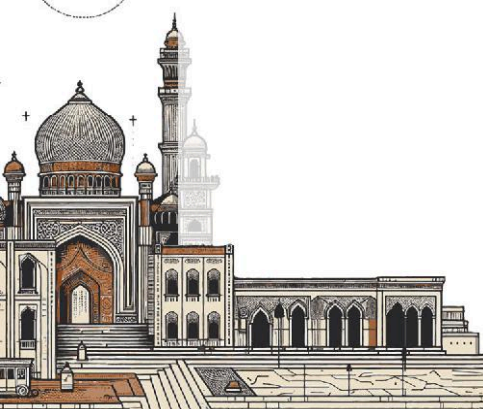
اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲ | تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

استناد:

کاظمی، محمدحسین؛ فلاحزاده، سیدحسین (۱۴۰۳). نقش باورهای احمدبن حنبل در مواجهه او با روایات تاریخی مربوط به خلفای نخستین. تاریخ اسلام، ۷۵-۱۰۰. <https://doi.org/10.22081/hiq.2023.57470.2032>



شاپا الکترونیکی
۲۷۸۳-۴۱۴۷



مقدمه

اصحاب حدیث، بیش از سایر مسلمانان کوشیدند تا اعتقادات خود را بر اساس آنچه در روایات معتبرشان آمده، تبیین کنند. احمد بن حنبل (۲۴۱ ق) به عنوان یکی از بزرگان اصحاب حدیث، مطابق آنچه از او بر جای مانده، توجه زیادی به روایات و اخبار در مسائل دینی داشت و در استدلال‌های مذهبی خود، در مقابل موافقان و مخالفان از آن بهره می‌برد.

همچنین، برخی مباحث مهم تاریخ صدر اسلام نیز در آثار احمد به چشم می‌خورد. یکی از مهم‌ترین این مباحث، خلفای راشدین است. اهل حدیث، اعتقادات خاصی در مورد خلفای راشدین داشتند که در آثار باقیمانده از بزرگان آنان، مانند احمد، موجود است؛ اما اثرگذاری این باورها در نقل روایات، مسئله‌ای است که می‌تواند مورد پژوهش قرار گیرد.

این پژوهش می‌کوشد تا اعتقادات احمد در باره خلفای راشدین را در ۴ محور: صحابه بودن، ترتیب فضل، خلافت و یادکرد مورد مطالعه قرار دهد و نظرات او را در قبال مخالفان و منتقدان را بیان کند و نشان دهد که این اعتقادات، چگونه در گزینش روایات و اخبار توسط احمد اثرگذار بوده است. این مهم، با استخراج باورهای او در این مباحث، و همچنین روایات و اخباری که توسط او نقل شده، ممکن است.

این مسئله که باورهای احمد برگرفته از روایات است، مورد توجه تحقیق حاضر بوده؛ اما محل بحث، جایگاه احمد به عنوان یک عالم برجسته است که برای آگاهی و آموزش مردم، به نقل روایت پرداخته تا در اختلافات روایی، چاره‌ساز باشد.^۱

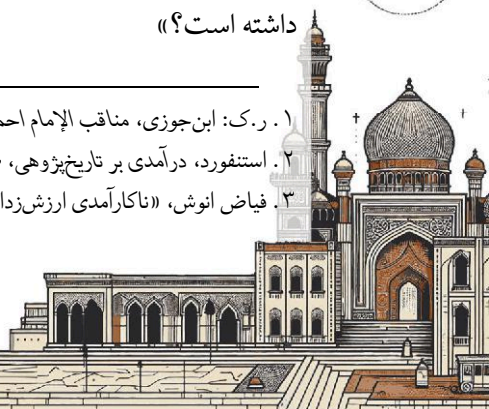
منظور از روایات تاریخی در این تحقیق، تاریخ به مثابه گزارش^۲ است؛ یعنی هرگونه تلاش در جهت ثبت و تبیین مکتوب رخدادها به منظور دانستن و فهمیدن آنهاست.^۳ با توجه به این مطالب، نوشتار پیش رو کوشیده است تا نقش باورهای احمد بن حنبل در مواجهه با روایات مربوط به خلفای راشدین را بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که «باورهای احمد بن حنبل، در مواجهه با روایات تاریخی مربوط به خلفای راشدین چه نقشی داشته است؟»



۱. ر.ک: ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۶۲.

۲. استنفورد، درآمدی بر تاریخ‌پژوهی، ص ۹.

۳. فیاض انوش، «ناکارآمدی ارزش‌زدایی از روایات تاریخی»، دوفصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، ش ۶، ص ۱۰۹.





در این پژوهش، داده‌ها با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و با روش تحقیق کیفی پس از توصیف باورهای مذهبی احمد و مواجهه او با مخالفان و منتقدان، به مقایسه و تحلیل آن اعتقادات با روایات او می‌پردازیم.

پیش از این، پژوهش‌هایی در مورد احمدبن حنبل صورت گرفته است که عبارت‌اند از:
- سعدبن موسی الموسی، «النصوص التاريخية فی مسند الامام احمدبن حنبل (۲۴۱ق) عن فترة الخلفاء الراشدين». در این تحقیق، اخبار هریک از خلفای راشدین در فصلی مستقل آمده و یک فصل نیز به اخبار متفرقه اختصاص دارد. محقق اخبار احمد در مورد راشدین و اتفاقات مهم دوران حکومت آنان را جمع‌آوری نموده و سپس، با اخبار مورخان دیگر مقایسه می‌کند تا نشان دهد که اخبار مورد استفاده احمد، در آثار مورخان گذشته و هم‌عصر او رایج بوده است. این تحقیق، از جنبه پردازش به مسائل تاریخی عصر راشدین، به پژوهش ما نزدیک است؛ اما اشاره‌ای به نقش باورهای احمد در مواجهه با اخبار ندارد.

- سید کاظم طباطبایی، «جلوه‌های تشیع در مسند احمد»، انتشار یافته در مجله مطالعات اسلامی. این پژوهش، به ارائه روایاتی از مسند احمد پرداخته که فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را به روشنی بیان کرده و مؤید اعتقادات شیعه است. محقق در این مسیر، روایات مربوطه را ذیل ۱۸ عنوان دسته‌بندی و ارائه کرده است. تفاوت این مقاله با پژوهش حاضر، در آن است که می‌کوشد تا نشان دهد احمد به‌عنوان یک محدث و متکلم اهل سنت مبانی کلامی خود در خصوص مسائلی مانند فضائل اصحاب، خلافت را طوری طراحی کرده که کثرت نقل فضائل اهل بیت علیهم‌السلام و خصوصاً امام علی علیه‌السلام خدشه‌ای به مبانی باورهای او وارد نسازد.

- رسول جعفریان، «نقش احمدبن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت». این تحقیق، نشان می‌دهد چگونه بخش مهمی از جریان اهل حدیث که حتی حاضر نبود امیر مؤمنان علیه‌السلام را به‌عنوان یک خلیفه مشروع بپذیرد، بر اثر مساعی احمد تعدیل شدند و موضع مساعدی نسبت به امام علی علیه‌السلام گرفتند؛ اما این پژوهش می‌خواهد چگونگی نقش اعتقادات احمد در گزینش اخبار توسط او را نشان دهد.

- زهرا امیری روح‌الهی، «زمینه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های احمدبن حنبل». این اثر، بر اساس روند پیشنهادی اسپرینگز، علل اصلی بحران‌های سیاسی و اجتماعی قرن دوم و سوم





هجری را مورد بررسی قرار داده و تأثیر آنها در ایجاد اندیشه‌های احمد را در قالب مؤلفه‌هایی چون درگیری‌های سیاسی، فکری و کلامی دنبال می‌کند. در واقع، مقاله فوق تأثیرپذیری احمد از شرایط پیش‌آمده را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که پژوهش پیش رو می‌کوشد تا تأثیر اعتقادات احمد را در مواجهه او با روایات مربوط به خلفای راشدین نشان دهد.

۱. زیست‌نامه

ابوعبدالله، احمد بن محمد بن حنبل بن هلال شیبانی مروزی، پیشوای محدثان و امام حنبلیان به سال ۱۶۴ق در بغداد متولد شد. در نوع انتساب احمد به شیبان، اختلاف وجود دارد و گروهی او را به ذهل بن شیبان ثعلبه و گروهی نیز او را به ذهل بن بنی شیبان منتسب می‌کنند.^۱ احمد تحصیلات خود را در بغداد آغاز کرد. سپس، راهی کوفه، بصره، مکه، مدینه، یمن، شام و جزیره شد^۲ و از مشایخ بزرگی چون: قاضی ابویوسف (۱۸۲ق)، هُشیم بن بشیر (۱۸۳ق)، وکیع بن جراح (۱۹۷ق)، سفیان بن عیینه (۱۹۸ق) و محمد بن ادریس شافعی (۲۰۴ق) بهره برد.^۳ تلاش‌های علمی احمد، باعث شد تا او نقش فراوانی در انتقال میراث حدیثی گذشتگان به نسل‌های بعدی داشته باشد و افراد سرشناسی مانند: بخاری (۲۵۶ق)، مسلم نیشابوری (۲۶۱ق)، ترمذی (۲۷۹ق) و ابوداود سجستانی (۲۷۵ق)، از دانش او استفاده کنند.^۴

در میان آثار^۵ احمد بن حنبل، دو کتاب «مسند» و «فضائل الصحابة»، روایات فراوانی در مورد پیامبر ﷺ، اصحاب، تابعین و اتباع آنان را در خود جای داده و با توجه به آنکه او به صحت این روایات باور دارد،^۶ می‌تواند منابع مهمی برای شناخت روش و ملاحظات احمد

۱. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، ص ۲۵۴؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۷۹.

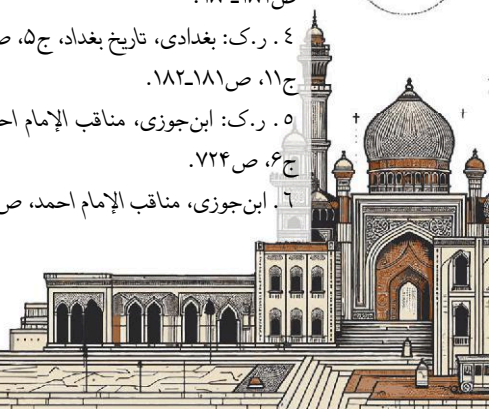
۲. ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۶.

۳. ر.ک: همان، الباب الخامس؛ بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۸۱-۱۸۰.

۴. ر.ک: بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۸۰؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۵، ص ۲۵۴؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۵. ر.ک: ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۶۱؛ انصاری، مدخل «احمد بن حنبل»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۷۲۴.

۶. ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۶۱-۲۶۲.





در نقل روایت باشد. در کنار آثار احمد، تألیفاتی از شاگردان او در دسترس ما قرار دارد که شامل روایاتی از طریق احمد و همچنین برخی نظرات او هستند که ما را در کشف باورهای او در مسائل مختلف یاری می‌کند.

۲. باورهای احمدبن حنبل در موضوع خلفای راشدین

۱-۲. صحابه بودن

صحابه بودن، نخستین مسئله مدنظر احمد در مورد راشدین است. احمد، کسانی را که یکسال، یک ماه، یک روز، یک ساعت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درک کرده باشند و یا حتی حضرت را یکبار دیده باشند، از صحابه می‌دانست.^۱ با این تعریف، خلفای راشدین که سال‌های زیادی در کنار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند، از این جایگاه برخوردار می‌شدند. مسئله دیگری که جایگاه راشدین را نزد احمد بالاتر می‌برد، روایتی بود که در میان اهل حدیث از زبان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌شد و رواج داشت. حضرت در این روایت، ۱۰ تن از اصحاب از جمله راشدین را بهشتی معرفی می‌کرد.^۲

احمد بر مبنای روایتی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، صحابه را بهترین مردم می‌دانست و غیر از ایشان را در جایگاه بعد قرار می‌داد.^۳ به همین دلیل، هیچ‌کس را قابل مقایسه با صحابه نمی‌دانست.^۴ علاوه بر این، احمد معتقد بود که صحابه، شایسته هرگونه تقدیر و تمجید هستند. محبت نسبت به آنان، سنت است و دعا برای ایشان، مایه نزدیکی به خداوند است و پیروی از آنان، وسیله هدایت می‌باشد. همچنین، گرفتن آثار ایشان، فضیلت است و بدگویی از ایشان، مستحق مجازات خواهد بود.^۵

۱. جبرین، شرح أصول السنة، ص ۸۶؛ احمدی، المسائل والرسائل، ج ۱، ص ۳۹۴.

۲. احمدبن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۲۰۹.

۳. احمدبن حنبل، این روایت را از چند طریق نقل کرده است؛ ر.ک: مسند، ج ۶، ص ۷۶؛ همان، ج ۷، ص ۱۹۹ و ۲۶۳.

همان، ج ۳۰، ص ۲۹۲ و ۳۷۶؛ همان، ج ۳۳، ص ۵۳.

۴. خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۷۷ و ۴۳۴-۴۳۵.

۵. ابن ابی یعلی، طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۳۰.





۲-۲. ترتیب فضل صحابه

احمد بن حنبل ابوبکر، عمر و عثمان را برترین اصحاب پیامبر ﷺ می‌دانست و پس از آن، ۵ نفر باقیمانده از شورای خلافت، سپس اهل بدر از مهاجرین و انصار به میزان سابقه و پس از آن، باقی اصحاب به قدر سابقه‌ای که داشتند.^۱

مهم‌ترین دلیل احمد بن حنبل در تأیید باورش، سخن عبدالله بن عمر (۷۴ق) است که به توصیف برتری اصحاب در زمان حیات پیامبر ﷺ پرداخته و ابوبکر، عمر و عثمان را برترین اصحاب معرفی کرده که احمد آن را به چند طریق با اختلاف اندکی در تعبیر، از عبدالله بن عمر و دیگران نقل کرده است.^۲ علاوه بر آن، برخی این روایت را از احمد شنیده و از زبان او در آثار خود نقل کرده‌اند.^۳ احمد تکمله یزید بن ابی حیب (۱۱۸ق) را مبنی بر اینکه این سخن به پیامبر ﷺ رسیده و حضرت در مورد آن مطلبی فرموده، می‌پذیرد^۴ و در نتیجه، استدلال به این روایت در نظر او، محکم‌تر می‌شود. احمد در تعامل با دیگران نسبت به این خبر به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویا آنان را به استفاده از این روایت برای تبلیغ و تبیین این باور ترغیب کرده است.^۵ مطابقت عمل اصحاب با این خبر و عدم اختلاف آنان در این مدل از تفضیل، دلیل دیگر احمد در تقویت این باور است.^۶

احمد با توجه به این خبر و محتوای آن، این باور را از نشانه‌های اعتقادی اهل سنت می‌دانست^۷ و در مواجهه با کسانی که نظری برخلاف باور او داشتند، استدلال‌هایی می‌آورد. وی در ردّ اندیشه شیعیان مبنی بر تفضیل امام بر ابوبکر، این باور را مخالف کتاب و سنت معرفی می‌کرد و تقدم اسلام امام علی ع نسبت به ابوبکر را دلیل بر تفضیل نمی‌دانست؛ زیرا به اعتقاد او، به دلیل کمی سن و عدم بلوغ شرعی، احکام بر حضرت جاری نبود.^۸ وی

۱. جبرین، شرح أصول السنة، ص ۸۵-۸۶.

۲. برای نمونه، ر.ک: احمد، مسند، ج ۸، ص ۲۴۳؛ همو، فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۹۰ و ۳۰۲.

۳. برای نمونه، ر.ک: عبدالله بن احمد، السنة، ص ۵۷۴-۵۷۵.

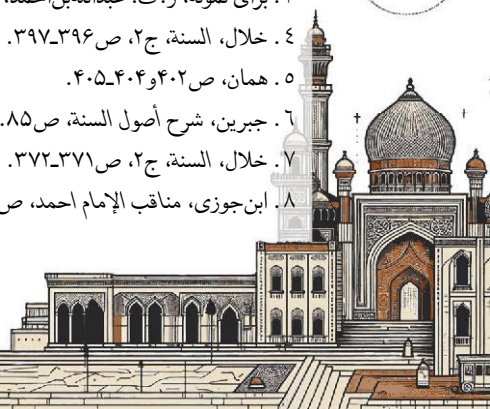
۴. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۹۶-۳۹۷.

۵. همان، ص ۴۰۲ و ۴۰۴-۴۰۵.

۶. جبرین، شرح أصول السنة، ص ۸۵.

۷. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۷۱-۳۷۲.

۸. ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۲۶-۲۲۷.





همچنین، در ردّ این باور شیعیان، به نقل اخباری گرایش پیدا کرد که باور شیعیان را موجب عیب‌جویی از صحابه معرفی کرده و ممکن است به هلاکت منجر شود.^۱ احمد در پاسخ به سؤالی که در مورد تفضیل پرسیده شده بود، مخالفت با باور خود را طعن پیامبر ﷺ شیخین و مهاجران معرفی کرد.^۲ در مقابل این انتقادات، احمد موافقان کوفی خود را مورد تمجید و ستایش قرار می‌داد و آنان را افرادی برتر از سایر مردمان، عاقل در دین و اصحاب قرآن معرفی می‌کرد که برای نمونه، می‌توان از افرادی چون طلحة بن مصرف (۱۱۲ق) و عبدالله بن ادریس (۱۹۲ق) نام برد.^۳

احمد در تایید باور خود، به نقل روایاتی از زبان امام علی علیه السلام پرداخت که در میان اهل حدیث موجود بود. در برخی از این روایات، امام علی علیه السلام شیخین را برترین افراد پس از پیامبر ﷺ معرفی می‌نماید^۴ و در برخی دیگر، سه خلیفه اول را برترین افراد بعد از پیامبر ﷺ معرفی می‌کند.^۵ دانسته است با توجه مبانی اهل حدیث و ساختار اعتقادی حدیث‌محور آنان، این نوع از روایات، خاصه از شخص امام علی علیه السلام، توانایی یکسره کردن منازعات به سود باور و اعتقاد احمد را داشت و زمینه اثبات آن را فراهم می‌کرد.

به این ترتیب، روش احمد در اثبات افضلیت سه خلیفه اول بر سایر اصحاب، با تعداد فضایل نقل‌شده در مورد برخی از صحابه، منافاتی پیدا نمی‌کرد و ممکن بود برای فردی از صحابه، فضایل بیشتری نسبت به دیگران، خاصه سه خلیفه اول، روایت شده باشد؛ اما در عین حال، مقام او در فضیلت متأخر از ایشان باشد. این رویکرد احمد در قبال امام علی علیه السلام، بیش از دیگران هویدا می‌شود.^۶

۱. احمد، فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۴۸.

۲. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۷۴؛ ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۱۸.

۳. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۹۵-۳۹۶.

۴. برای نمونه، ر.ک: احمد، مسند، ج ۲، ص ۳۰۳ و ۳۱۲؛ عبدالله بن احمد، کتاب السنة، ص ۵۸۳-۵۸۴.

۵. برای نمونه، ر.ک: عبدالله بن احمد، کتاب السنة، ص ۵۷۸.

۶. برای نمونه، ر.ک: احمد، فضائل الصحابة، ص ۶۵-۷۲۵ که بیشترین حجم فضایل را دارد؛ اما در رتبه، متأخر از سه خلیفه اول است.





۲-۳. خلافت

احمد بن حنبل در مورد مشروعیت و ترتیب خلفای راشدین، به همان ترتیب تاریخی وقوع خلافت بعد از پیامبر ﷺ معتقد بود. باور احمد در مورد خلافت و ترتیب فضل صحابه، درهم تنیده و غیرقابل انفکاک بود؛ به گونه‌ای که راویان آرای اعتقادی او، این ۲ مسئله را به صورت یکجا از او نقل کرده‌اند.^۱

مهم‌ترین دلیل احمد در اثبات باورش در مورد ترتیب خلافت، روایت سفینه (بعد از ۷۰ق) از پیامبر ﷺ است که حضرت خلافت پس از خود را ۳۰ سال دانسته که پس از آن، حکومت به صورت مُلک درمی‌آید. در ادامه این روایت، خود سفینه می‌گوید: مدت خلافت ابوبکر، عمر، عثمان، علی رضی الله عنه را ۳۰ سال یافتیم و سپس، به بعد از آن نگاه انداخته، حکومت شخصی را ندیدم تا با این مقدار، ۳۰ سال شود.^۳ اهمیت این روایت، در ساختار فکری احمد و استدلال‌های او برای اثبات اعتقادش به اندازه روایت عبدالله بن عمر در تفضیل است و کار بست پی‌درپی این دو روایت^۴ و همچنین نقل روایتی مشابه ترتیب فضیلت از زبان عبدالله بن عمر در تأیید خلافت ۳ خلیفه اول با همان سبک و ادبیات، به این صورت که به جای فضیلت از خلافت سخن به میان آمده^۵ نیز پیوستگی این دو اعتقاد را در ذهن احمد بیشتر آشکار می‌کند.

در اندیشه احمد، پذیرش این ترتیب، سنّت بود^۶ و مخالفان خود را به بدعت، سخن ناصواب، عیب‌جویی از اصحاب شورا، بدعت شدید و گرایش به تشیع، متهم می‌کرد.^۷ گاهی

۱. ر.ک: عبدالله بن احمد، کتاب السنة، ص ۵۷۳؛ خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۹۲.

۲. بیشتر با کتبه ابو عبد الرحمن شناخته می‌شود و از پیامبر ﷺ روایت کرده است. اصل او، از سرزمین فارس بود و اسامی فراوانی برایش ذکر شده. ام سلمه او را خرید و به شرط آنکه به پیامبر ﷺ خدمت کند، آزادش کرد. وی در عهد حجاج بن یوسف درگذشت. (ابن عبد البر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۶۸۴؛ عسقلانی، الاصابة، ج ۳، ص ۱۱۱)

۳. احمد، مسند، ج ۳۶، ص ۲۵۲ و ۲۵۶؛ احمد، فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۴۸۷-۴۸۸.

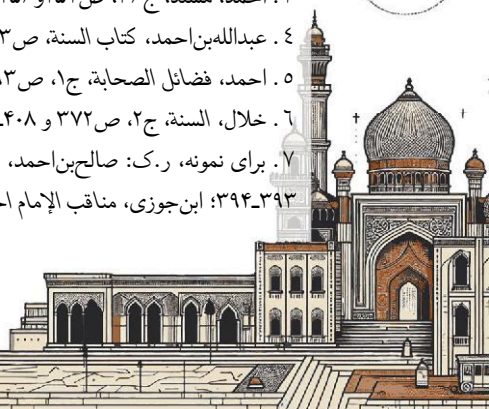
۴. عبدالله بن احمد، کتاب السنة، ص ۵۷۳-۵۷۴.

۵. احمد، فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۹۳-۹۴.

۶. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۷۲ و ۴۰۸-۴۰۹.

۷. برای نمونه، ر.ک: صالح بن احمد، سیره الإمام احمد بن حنبل، ص ۷۷؛ خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۷۸، ۳۸۰-۳۸۱ و

۳۹۳-۳۹۴؛ ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۱۸.





نیز به مخالفان ناسزا می‌گفت.^۱ با وجود این، در برابر برخی از مردم شام که در مورد عثمان گزاف‌گویی می‌کردند، با تساهل برخورد کرد و تربیع را مطرح نساخت.^۲

احمد موفق شد در تقابل با گروه‌هایی مانند شیعیان که امام علی ع را جانشین بلافصل پیامبر ص می‌دانستند و جریان‌های اهل سنتی که حداقل نیمی از خلافت عثمان را نمی‌پذیرفتند و همچنین گروهی از اهل سنت که خلافت امام علی ع را از اساس مردود می‌شمردند، مسیری را بگشاید که به آن، تربیع گویند و در واقع، پذیرش مشروعیت تمام خلفای راشدین بر مبنای ترتیب تاریخی آن است که به یکی از اعتقادات اهل سنت تبدیل شد. احمد در استدلال‌ها و همچنین نقل روایات مربوط به خلفای راشدین، این موارد را مدنظر داشت و روایاتی را در مشروعیت خلافت راشدین با این ترتیب گرد آورد که یا در آثار او ثبت شده و یا از طریق وی در آثار دیگران به جای مانده و مؤید این مسئله است.

۱-۳-۲. خلافت شیخین (۱۱-۲۳ق)

احمد، روایات متعددی در مورد مشروعیت خلافت ابوبکر نقل کرده که به فقدان وصیت صریح و اشاره به جانشینی ابوبکر اختصاص دارند. در مورد عدم وصایت عبدالله بن احمد (۲۹۰ق)، روایتی از پدرش می‌آورد که در آن، عایشه (۵۷ق) مدعی است پیامبر ص هنگام رحلت، نزد او بوده و به چیزی وصیت نکرده است.^۳ در روایتی دیگر نیز که در مسند احمد آمده، عمار (۳۷ق) به این مطلب که پیامبر ص عهدی از آنان نگرفته، اذعان دارد.^۴ در روایتی دیگر نیز ضمن ردّ وصیتی خاص از سوی پیامبر ص، وصیت را تنها به کتاب خدا بیان می‌کند.^۵

احمد همچنین، روایاتی را از زبان امام علی ع نقل می‌کند که بر اساس آن، عهد و پیمان مخصوصی بین ایشان و پیامبر ص نبوده که به واسطه آن، امری مختص به امام علی ع شود؛ جز چند مورد از احکام که در صحیفه‌ای نزد امام موجود بود و آن را بر مردم می‌خواند.^۶

۱. خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۱۹؛ ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۲۰.

۲. خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۰۸-۴۱۰.

۳. عبدالله بن احمد، کتاب السنة، ص ۵۳۶-۵۳۷.

۴. احمد، مسند، ج ۳۸، ص ۳۴۵.

۵. همان، ج ۳۲، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۶۷ و ۴۲۸ و ۴۳۲؛ عبدالله بن احمد، کتاب السنة، ص ۵۳۷-۵۳۹، ۵۴۳ و ۵۶۰.



همچنین، در روایت دیگری از زبان امام علیه السلام، آشکارا مسئله عهد و پیمان برای جانشینی انکار می‌شود و به‌طور ضمنی، خلافت شیخین مورد تأیید قرار می‌گیرد.^۱

احمد، روایاتی در مورد اقامه نماز جماعت با مردم توسط ابوبکر در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند^۲ و این عمل مورد تأیید حضرت را به نشانه‌ای بر اراده پیامبر صلی الله علیه و آله بر جانشینی ابوبکر تفسیر می‌کند.^۳ در روایت دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ زنی که می‌گوید: اگر شما را نیافتیم، سؤالات خود را از چه کسی پرسیم؟ حضرت او را به ابوبکر ارجاع می‌دهد.^۴ روایت دیگری هم از زبان امام علی علیه السلام نقل می‌کند که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد جانشین خود سؤال شد و حضرت در پاسخ، ابتدا از ابوبکر، سپس عمر و بعد از آن، امام علی علیه السلام را نام می‌برد و برای هریک، ویژگی‌هایی ذکر می‌نماید.^۵ روایتی دیگری هم نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به اقتدای به شیخین پس از خود امر می‌کند.^۶ احمد همچنین، روایاتی مبنی بر رؤیاهای پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که از آن، جانشینی سه خلیفه اول مشخص می‌شود.^۷ احمد بن حنبل، با کسانی که خلافت ابوبکر را قبول نداشتند، با جدیت برخورد می‌کرد. او پس از شنیدن اینکه برخی از مردم رقه ابوبکر را خلیفه نمی‌دانستند، غضب کرد و معتقد بود باید آنان را از این باور توبه داد.^۸

۲-۳-۲. خلافت عثمان (۲۳-۳۵ ق)

در باور احمد، عثمان بن عفان سومین خلیفه است و بیعت با او را محکم‌ترین بیعت‌ها در میان مسلمانان می‌داند^۹ و در اثبات حقانیت عثمان، بر سوابق او در اسلام تکیه دارد و معتقد است با وجود این سوابق، شایسته نیست کسی خلافت او را مورد طعن قرار دهد.^{۱۰}

۱. احمد، مسند، ج ۲، ص ۲۴۴؛ عبدالله بن احمد، کتاب السنة، ص ۵۶۶ و ۵۶۹.

۲. برای نمونه، ر.ک: احمد، مسند، ج ۳۲، ص ۴۷۴-۴۷۵؛ همان، ج ۳۷، ص ۴۷۳-۴۷۴.

۳. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۰۱-۳۰۳؛ ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۱۶.

۴. احمد، مسند، ج ۲۷، ص ۳۱۹-۳۲۰.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۱۴؛ همو، فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۲۳۱.

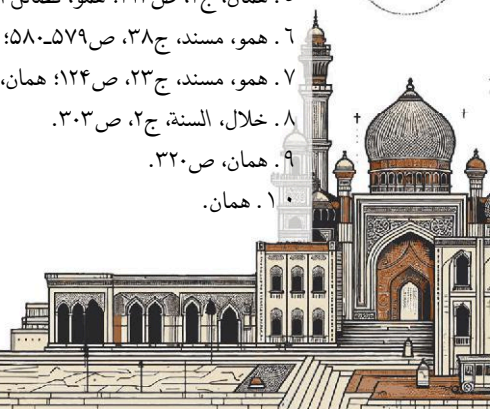
۶. همو، مسند، ج ۳۸، ص ۵۷۹-۵۸۰؛ همو، فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۳۵۹ و ۴۲۶.

۷. همو، مسند، ج ۲۳، ص ۱۲۴؛ همان، ج ۲۷، ص ۱۴۹؛ همان، ج ۳۸، ص ۲۴۷.

۸. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۰۳.

۹. همان، ص ۳۲۰.

۱۰. همان.





احمد در روایتی از عبدالرحمن بن عوف (۳۲ق)، علت انتخاب او توسط شورا و پیشی گرفتن از امام علی ع را پذیرش تمام و کمال شروط بیعت مبنی بر عمل به کتاب و سنت و سیره شیخین، پس از آنکه امام علی ع فرموده بود، به اندازه استطاعتش به این شروط عمل می‌کند، نقل می‌نماید.^۱

احمد برای نشان دادن جایگاه عثمان و خلافتش نزد امام علی ع، روایاتی را از زبان حضرت نقل می‌کند تا نشان‌دهنده مشروعیت خلافت و مقبولیت شخص عثمان نزد حضرت باشد. در یکی از این روایات، امام علی ع خود را مطیع عثمان در تمام امور معرفی می‌کند^۲ و در روایت دیگری که مربوط به زمان خلافت امام ع است، حضرت برای آگاه کردن افکار عموم، مثل خود و عثمان را مصداق آیه ۴۷ سوره حجر معرفی می‌کند که میان‌نشان هیچ کدورتی نبوده و مانند برادر بوده‌اند.^۳

در قضیه خلافت عثمان، توجه احمد بیشتر به شورش علیه او که فتنه خوانده می‌شود، است. احمد، روایاتی از زبان پیامبر ص نقل می‌کند که در آن، حضرت مردم را از فتنه‌های آینده آگاه و از ورود به آن برحذر می‌دارد^۴ و حتی در یکی از آنها، حضرت به قتل خلیفه‌ای اشاره می‌کند.^۵ در کنار نقل این احادیث، احمد روایات دیگری را نیز از پیامبر ص نقل کرده است که در آن، عثمان و یارانش در هنگام فتنه در مسیر حق قرار دارند.^۶ احمد، حدیثی از پیامبر ص نقل می‌کند که در آن، حضرت با ۳ بار تکرار خطاب به عثمان فرموده که خداوند پیراهنی بر تو می‌پوشاند و اگر خواستند آن را از تن تو بیرون بیاورند، این کار را انجام نده.^۷ احمد بر این باور بود که مراد از پیراهن در این روایت، خلافت است.^۸ احمد همچنین،

۱. احمد، مسند، ج ۱، ص ۵۶۰.

۲. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۲۵.

۳. «وَتَرَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غُلٍّ إِخْوَانًا عَلَيَّ سُرٌّ مُتَقَالِبِينَ؛ هرگونه غل را از سینه آنها برمی‌کنیم؛ درحالی که همه برادرنند و بر سرریه‌هایی روبه‌روی یکدیگر قرار دارند.» (احمد، فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۴۳۸، ۴۵۳، ۴۶۷ و ۵۱۷)

۴. برای نمونه، ر.ک: احمد، مسند، ج ۲۵، ص ۴۱۳؛ همان، ج ۲۸، ص ۱۷۹؛ همان، ج ۳۷، ص ۱۷۷.

۵. همو، مسند، ج ۳۷، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۶. برای نمونه، ر.ک: همان، ج ۲۹، ص ۶۰۲-۶۰۱؛ همو، فضائل الصحابة، ج ۱، ص ۴۴۹ و ۵۰۵.

۷. همو، مسند، ج ۴۲، ص ۸۴.

۸. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۲۱.





اخباری از حمایت افرادی چون عبدالله بن عباس (ق ۶۸) و حذیفه بن یمان (ق ۳۶)، در حمایت از عثمان نقل می‌کند که حذیفه با وجودی که در هنگام حصر عثمان در مدائن است، با نقل حدیثی از پیامبر ﷺ، در مورد شورش علیه حاکم، از مخالفان عثمان انتقاد کرده^۲ و همچنین در جای دیگر، عثمان را مقتول مظلوم معرفی می‌کند و قتل او را اول فتنه می‌داند.^۳ احمد همچنین در روایاتی، عثمان را فردی معرفی می‌کند که از اشتباهات احتمالی خود نادم است و توبه کرده و با هرگونه درگیری مسلحانه، مخالف است و حتی برای دفاع از خود نیز حاضر به جنگ نمی‌شود و قاتلان او، افرادی ظالم هستند^۴ و در نهایت، عثمان در بهشت جای دارد.^۵

۲-۳-۳. خلافت امام علی (ع) (۳۵-۴۰ ق)

باور احمد در مورد خلافت راشدین، جز با اثبات مشروعیت خلافت هر ۴ خلیفه با ترتیب تاریخی که از آن با نام «تربیع» یاد می‌شود،^۶ کامل نیست؛ اما در این میان، او با گروهی از اهل سنت مواجه بود که از آنان به نام عثمانی یا عثمانیه یاد می‌شود. آنان گروهی بودند که به تبعیت از عثمان بن عفان شهرت داشتند.^۷ این گروه که در زمان خلافت امام علی (ع) به وجود آمد،^۸ در محبت عثمان غلو کرده و قائل به نقص امام علی (ع) بودند.^۹ آنان حاضر به پذیرش امام (ع) نبوده و به انگیزه مظلومیت عثمان، در برابر امام ایستادند. امویان با حمایت خود، این تفکر را در بخش اعظم جامعه اسلامی حاکم کردند.^{۱۰}

این جریان، معاویه را به علت توجه ویژه عمر و عثمان در واگذاری حکومت تمام شام به او، شایسته جانشینی عثمان و خون‌خواهی او قلمداد می‌کردند^{۱۱} و در مقابل، تلاش

۱. همان، ص ۳۲۹.

۲. احمد، مسند، ج ۳۸، ص ۳۲۴.

۳. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۳۴-۳۳۵.

۴. همان.

۵. همان، ص ۳۴۵.

۶. همان، ص ۴۰۹-۴۱۰.

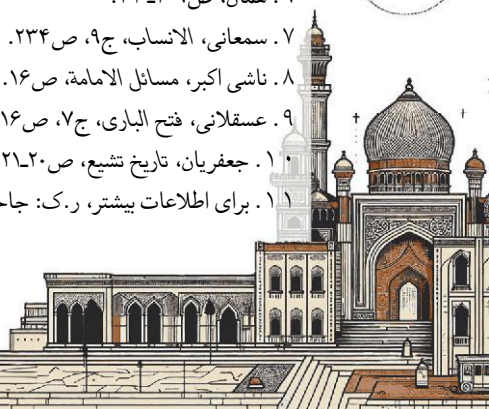
۷. سمعانی، الانساب، ج ۹، ص ۲۳۴.

۸. ناشی اکبر، مسائل الامامة، ص ۱۶.

۹. عسقلانی، فتح الباری، ج ۷، ص ۱۶.

۱۰. جعفریان، تاریخ تشیع، ص ۲۰-۲۱.

۱۱. برای اطلاعات بیشتر، رک: جاحظ، رسائل الجاحظ، ص ۳۸۴-۳۹۲.





داشتند تا با انکار فضایل امام علی علیه السلام^۱ و همچنین ایراد اشکالاتی مانند: مخالفت برخی صحابه با خلافت امام، عدم همراهی برخی دیگر از صحابه با او در جنگ‌ها، فراوانی فتنه‌ها در دوران خلافت و جدا شدن تعدادی از یاران حضرت از او، مشروعیت خلافت امام علی علیه السلام را نفی کنند.^۲

اعتقادات این جریان در مورد ترتیب خلافت، با باورهای احمد متفاوت بود و علاوه بر آن، ثمره این باور، در یادکرد صحابه نیز خود را نشان می‌داد؛ به این صورت که عثمانیه برای اثبات مدعای خود، در نفی فضایل و بدگویی از امام می‌کوشیدند؛ در حالی که احمد معتقد بود که در مورد صحابه، جز به نیکی نباید سخن گفت.^۳

طرح مسئله تربیع توسط احمد، برای مقابله با این باور و اقناع حامیان آن بود. او تلاش کرد تا ضمن اثبات تربیع، آن را در جامعه نیز گسترش دهد و به انتقادات مخالفان در این موضوع، پاسخ دهد. احمد در این عرصه، شخصیتی فعال داشت و این باور و استدلال‌های همراه آن را به بسیاری از شاگردان خود آموخت و همچنین در پاسخ به سؤالات دیگران به کار بست که در نتیجه، افرادی زیادی این باور را از احمد آموخته و نقل کردند.^۴

مهم‌ترین استدلال احمد در این موضوع، بر پایه روایت سفینه - که ذکر آن گذشت - شکل گرفت؛^۵ اما او ناگزیر بود تا در برابر انتقادات مخالفان خود، دلایل دیگری را ارائه کند که بیشتر بر: قبول خلافت توسط خود امام علی علیه السلام، نزدیکی امام به پیامبر صلی الله علیه و آله، سابقه در اسلام، اجرای حدود، اخذ صدقات و تقسیم آن، برگزاری حج و جهاد، رضایت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از خلافت حضرت و پیوستن به او، نامیدن حضرت به خلیفه و امیرالمؤمنین و نیز اقامه نماز پشت سر حضرت، تکیه داشت؛ البته احمد در قضیه پیروی صحابه از امام علی علیه السلام، برخی مخالفان را استثنا می‌کند و از نظر او، این تعداد از مخالفان، به اصل مشروعیت خلافت

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: همو، العثمانیة، ص ۱۹-۲۲، ۱۲۱ و ۲۴۳.

۲. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: همان، ص ۱۷۳-۱۷۵، ۱۸۵ و ۱۹۵.

۳. خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۷۶-۴۷۷؛ همان، ج ۳، ص ۵۱۱؛ ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۲۱.

۴. برای مشاهده فهرستی از این افراد، ر.ک: احمدی، المسائل والرسائل، ج ۱، ص ۳۸۱-۳۸۳.

۵. عبدالله بن احمد، کتاب السنة، ص ۵۷۳-۵۷۴؛ خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۱۱ و ۴۲۰-۴۲۴.



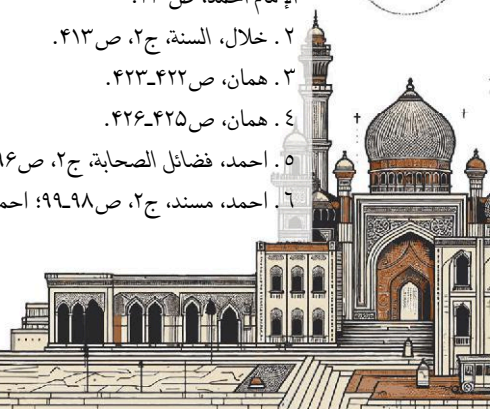


امام صدمه نمی‌زنند و اینکه ما نیز به پیروی از صحابه پیامبر ﷺ، از این امر تبعیت می‌کنیم.^۱

در نتیجه، احمد امام علی علیه السلام را خلیفه‌ای عادل توصیف می‌کند که احکامش نافذ و دستوراتش مجاز و محق‌ترین افراد پس از عثمان به امر خلافت است.^۲ احمد همچنین، در تلاش بود اشکالات و انتقادات وارد بر این اعتقادات را نیز پاسخ دهد؛ برای نمونه، یکی از استدلال‌های او در این موضوع، آن است که چون خود امام علی علیه السلام، خویشان را خلیفه نامید و اصحاب و اهل بدر نیز همین کار را کردند، پس خلافت حضرت مشروع است. این استدلال، با اشکالی از سوی صالح، فرزند احمد مواجه شد و او این‌گونه اشکال کرد که نجد خارجی هم خود را امیرالمؤمنین نامید و مردم از او تبعیت کردند. پس، باید خلافت او هم مشروع باشد. احمد، این ایراد را ناصواب دانست؛ زیرا در این اشکال، امام علی علیه السلام با یک فرد خارجی، یعنی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم عادی مقایسه شده بود^۳ که در نگاه احمد، عمل صحابه، حجیت دارد و با عمل مردم عادی، متفاوت است. پس، این مقایسه، اشتباه است.

احمد همچنین، در مورد اشکالی که به واسطه قتل طلحه و زبیر به باورش وارد می‌شد، به این صورت که برخی می‌گفتند اگر خلافت امام علی علیه السلام را بپذیریم، خون این ۲ صحابه نامدار هدر است، به صراحت بیان می‌کرد که حضرت، مسئول قتل آنان نیست و آن دو، توسط دیگران به قتل رسیده‌اند.^۴ احمد همچنین، روایاتی نقل می‌کند که حکایت از تلاش امام علی علیه السلام برای پرهیز از درگیری و حلاً مسالمت‌آمیز وقایع منجر به جنگ جعل است.^۵ احمد با نقل اخبار دیگر، ضمن تمجید از زبیر، قاتل او را به دوزخ بشارت می‌دهد.^۶

۱. عبدالله بن احمد، کتاب السنة، ص ۵۷۳ و ۵۸۹؛ خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۰۴، ۴۱۱، ۴۱۴-۴۱۵ و ۴۲۵؛ ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۰.
۲. خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۱۳.
۳. همان، ص ۴۲۲-۴۲۳.
۴. همان، ص ۴۲۵-۴۲۶.
۵. احمد، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۵۹۶.
۶. احمد، مسند، ج ۲، ص ۹۸-۹۹؛ احمد، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۳۷۳.





در کنار این مسائل، احمد روایتی از زبان پیامبر ﷺ نقل می‌کند که مربوط به نحوه برخورد با اهل نجران پس از حضرت است و در آن به طور ضمنی، به خلافت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره دارد؛^۱ تا به این ترتیب، روایتی خاص هم در زمینه مشروعیت خلافت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ ارائه کرده باشد. احمد در موضع‌گیری‌های خود نسبت به مخالفان، گاهی با تساهل برخورد می‌کرد و در تلاش بود تا در بیان این اعتقاد، سخت‌گیر نباشد؛ البته این سبک برخورد، همان‌گونه که گذشت، مربوط به آن دسته از هواداران و پیروانش است که در حمایت عثمان، زیاده‌روی می‌کردند.^۲ در عین حال، احمد گاهی نسبت به مخالفانِ باور خود، به دیده تعجب می‌نگریست^۳ و گاهی نیز آنان را به باد انتقاد و ناسزا می‌گرفت.^۴

۲-۴. باورهای احمد در موضوع یادکرد خلفای راشدین

احمد، باورهایی دارد که در نقل روایات مربوط به زیست فردی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی خلفای راشدین نیز نقش آفرین است.

۲-۴-۱. مواجهه احمد با فضایل راشدین

مبنای اصلی احمدبن حنبل در یادکرد صحابه، تعظیم آنان بود. او باور داشت که درباره اصحاب پیامبر ﷺ، جز به نیکی نباید سخن گفت. وی بر آنان درود می‌فرستاد و دیگران را به این امر ترغیب می‌کرد.^۵ احمد در گرامی‌داشت یاد صحابه، فرقی میان خُرد و کلان ایشان قائل نبود و این رویه را برای تمام آنان روا می‌داشت^۶ و حتی زیادگویی درباره اصحاب پیامبر ﷺ را جایز می‌دانست.^۷ همچنین احمد، نسبت به انکار و عدم

۱. احمد، مسند، ج ۲، ص ۸۹.

۲. خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۰۸-۴۱۰.

۳. همان، ص ۴۱۹.

۴. «سمعت ابوسعید هشام بن منصور البخاري يقول: سمعت احمد بن حنبل يقول: من لم يثبت الإمامة لعلی فهو اضل من حمار اهله.» (ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۲۰)

۵. خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۷۶-۴۷۷؛ همان، ج ۳، ص ۵۱۱؛ ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۲۱.

۶. احمدی، المسائل والرسائل، ج ۱، ص ۳۹۶.

۷. خلال، السنة، ج ۲، ص ۴۸۱-۴۸۲.





نقل فضایل مربوط به صحابه نیز حساس بود و افراد را از انکار فضایل منع می‌کرد؛^۱ اما راشدین در باور احمد، در سطحی بالاتر بودند. او ایشان را بهترین امت بعد از پیامبر ﷺ و هدایتگر جامعه می‌دانست.^۲

احمد بن حنبل در ۲ کتاب حدیثی مهم خود، یعنی مسند و فضائل الصحابة، روایات زیادی در فضایل راشدین آورده که عمده این روایات، به تقوا، نزدیکی با پیامبر ﷺ، نقش آفرینی و جایگاه آنان در عصر رسالت، فضایل اخلاقی و بهشتی بودن ایشان دلالت دارد که نمونه‌های بارز این روایات، در کتاب فضائل الصحابة به صورت منظم گردآوری شده است.^۴

احمد برخلاف برخی از اهل حدیث عمل می‌کرد؛ آنها نه تنها خلافت امام علی علیه السلام را قبول نداشتند، بلکه هیچ مزیتی هم برای آن در قیاس با سایر صحابه نمی‌شناختند؛ چنان‌که ابن قتیبه (۲۷۶ق) معتقد است، اهل حدیث از روی کینه نسبت به روافض، صریح‌ترین فضایل او همچون حدیث غدیر و منزلت را نیز انکار می‌کردند.^۵ از این رو، احمد روایات فراوانی هم درباره فضایل امام علی علیه السلام نقل کرده است.^۶

در نتیجه، احمد با توجه به مبنای اصلی خود در نقل روایات مربوط به فضایل صحابه، بسیاری از روایات مربوط به فضایل امام علی علیه السلام را نقل می‌کند که در میان آن، حدیث: غدیر، سدوا الأبواب، ثقلین، شأن نزول آیه تطهیر، اولین مسلمان و اخوت، به چشم می‌خورد.^۷

احمد بن حنبل به عنوان یک عالم برجسته اهل حدیث و مخالف تشیع، ضمن نقل این روایات در مورد امام علی علیه السلام، به این نکته نیز آگاهی دارد که این روایات، مورد استفاده شیعیان در اثبات حقانیت و برتری امام علی علیه السلام بر دیگران است و بیم آن می‌رود که نقل آن توسط احمد، به باور او در مورد ترتیب افضلیت و خلافت خدشه وارد کند؛ از طرفی، احمد

۱. همان، ص ۴۳۴.

۲. همان، ص ۳۰۴.

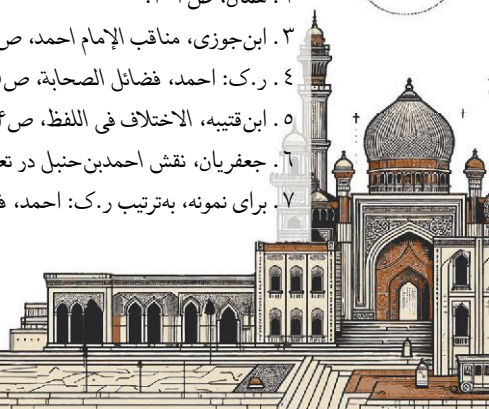
۳. ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۲۸.

۴. ر.ک: احمد، فضائل الصحابة، ص ۶۵-۲۲۷.

۵. ابن قتیبه، الاختلاف فی اللفظ، ص ۵۴-۵۶.

۶. جعفریان، نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۷. برای نمونه، به ترتیب ر.ک: احمد، فضائل الصحابة، ص ۵۶۹، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۹۰ و ۵۹۸.





مطابق مبنای خود، از نقل روایات مربوط به فضایل چشم‌پوشی نمی‌کند. به همین منظور، لازم است تا چاره‌ای برای این مشکل بیابد. راهکار احمد برای برون‌رفت از این مشکل، عدم تفسیر این روایات است؛ به این صورت که تنها آن روایات را نقل کنند و کاری به توضیح و تفسیر آن نداشته باشند. احمد در مورد ۲ حدیث منزلت و غدیر، از این راهکار بهره می‌برد و آن را برای دیگران تجویز می‌کند. البته احمد گاهی هم با ارائه تفاسیری تلاش می‌کند که این‌گونه روایات را مطابق نظر خود تفسیر کند؛ مانند حدیث غدیر که او امر مولی بودن را منحصر به دین تفسیر می‌کند؛^۱ اما به نظر می‌رسد، کاریست راهکار اول، نزد او برتری دارد؛ زیرا او و پیروانش را از ورود به مناقشه تفسیر روایات مصون می‌دارد.

۲-۴-۲. مواجهه احمد با اخبار ذمّ راشدین

احمدبن حنبل، نسبت به روایاتی که در آن صحابه مورد مذمت قرار گرفته بودند و یا صفتی نامناسب و کار ناشایست به آنان نسبت داده شده بود، موضع منفی داشت.^۲ احمد، نقل اخباری از این دست را مایه از بین رفتن اعمال حسنه می‌دانست و خود را از نقل این احادیث، بری می‌دانست و هرگونه نسبتی به خود درباره نقل این روایات را انکار می‌کرد^۳ و حتی با از بین بردن آثاری که در آن، اخباری در ذمّ صحابه نقل شده است، موافق بود^۴ و از روایان آن، نقل حدیث نمی‌کرد.^۵

در نگاه احمدبن حنبل، این نوع از اخبار و روایات، بیهوده می‌نمود؛ زیرا نه احکام شرعی را روشن می‌ساخت و نه بیانگر سنن بود؛ اما او در عین پایبندی به این مسائل، به‌عنوان یک محدث صاحب‌نام و رجالی زبردست، نمی‌توانست از کنار این احادیث بگذرد؛ هرچند محتوای آن روایات و اخبار، با اعتقادات و باورهایش در تضاد باشد. در نتیجه، او ناگزیر بود برای تسلط علمی خود به این اخبار که تعداد آن کم هم نبود، آنها را مورد مطالعه قرار دهد.

۱. خلال، السنة، ج ۲، ص ۳۴۶-۳۴۸.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۰۲-۵۰۳.

۳. همان، ص ۵۰۱-۵۰۳.

۴. «اخبارنا ابویکر المرودی قال: قلت لابی عبدالله: استعرت من صاحب حدیث کتابا یعنی فیہ الاحادیث الرئیة تری ان

احرقه او اخرقه؟ قال: نعم.» (همان، ص ۵۱۰-۵۱۱)

۵. همان، ص ۵۰۴.





البته مواجهه احمد با این اخبار، تنها به مطالعه آنها نیز متوقف نبود و او علاوه بر مطالعه، اسانید آن را نیز گردآوری می‌کرد^۱ تا بر روایان آن تسلط پیدا کند.

۲-۴-۳. مواجهه احمد با اخبار مشاجرات میان صحابه

در میان آثار تاریخی و حدیثی موجود در عصر احمد، اخبار فراوانی به چشم می‌خورد که بیانگر مشاجرات و نزاع‌های میان صحابه بود. بخشی از این اخبار، مربوط به دروان خلافت عثمان تا انتقال قدرت به امویان بود. گزارش مفصلی از درگیری و حتی جنگ و خونریزی میان اصحاب ارائه می‌داد. وجود اخباری از این دست، می‌توانست باورهای در حال انتشار احمد را با چالشی جدی مواجه کند و اذهان جامعه اسلامی را به سوی قضاوت در میان صحابه هدایت کند و مردمان را به این فکر بیندازد که بالأخره در این مشاجرات، چه کسانی در مسیر حق بوده و چه کسانی در مسیر حق نبودند.

نگاه احمد به این نوع از اخبار، بی‌شبهت به اخبار ذم نیست. احمد در مواجهه با این اخبار، معتقد است که باید از نقل آنها خودداری کرد^۲ و این مسئله را به دیگران سفارش می‌کند.^۳ در این میان، احمد بیشترین حساسیت را در مورد نبردهای زمان خلافت امام علی علیه السلام دارد و جمع‌آوری اخبار آن را بیهوده می‌داند. احمد در گفت‌وگویی که با پسرعموی خود حنبل در این مورد داشت، به او گفت که خودش در این موارد، تنها به جمع‌آوری اسناد اکتفا کرده و از سخن گفتن در باره آن پرهیز می‌کند.^۴ احمد همچنین، روایت از کسانی را که در تنقیص صحابه نقل حدیث می‌کردند، نمی‌پسندید. به گفته مهنی، احمد بن حنبل به همین دلیل دوست نداشت از عبیدالله بن موسی العبسی (۲۱۳ق)^۵ روایت کند^۶ و او را راوی احادیث سوء می‌دانست و مردم را از نقل روایت از او، برحذر می‌داشت.^۷

۱. همان، ج ۲، ص ۴۶۴؛ همان، ج ۳، ص ۵۰۶.

۲. ابن جوزی، مناقب الإمام احمد، ص ۲۲۳ و ۲۲۸.

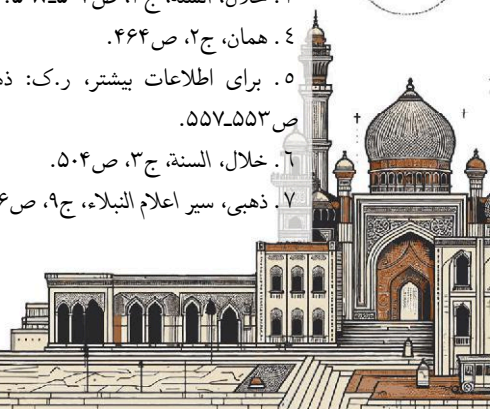
۳. خلال، السنة، ج ۳، ص ۵۰۷-۵۰۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۴۶۴.

۵. برای اطلاعات بیشتر، رک: ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۲۸۳-۲۸۵؛ همو، سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۵۵۳-۵۵۷.

۶. خلال، السنة، ج ۳، ص ۵۰۴.

۷. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۵۵۶.





با این همه، گستردگی و اهمیت این روایات، مانع احمد از پایبندی دائمی به این مبنای خود بود و اخباری از: مشاجرات عثمان با عبدالرحمن بن عوف،^۱ اختلافات ابوذر با عثمان و کعب،^۲ تبعید ابوذر^۳ و نبرد جمل^۴ و صفین^۵ نقل می‌کند.

نتیجه

مطالعه باورهای احمد بن حنبل در مورد خلفای راشدین در موضوعاتی مانند: صحابه بودن، ترتیب فضل، خلافت و یادکرد آنان، می‌تواند رویکرد او را در نقل روایات مرتبط با این موضوعات به ما بشناساند و نشان دهد که او با توجه به این باورها و در تأیید آنها و همچنین در مواجهه با مخالفان و منتقدان خود، چه روایاتی را نقل کرده است.

نخستین موضوع مورد مطالعه ما، صحابه بودن راشدین است که احمد معتقد است آنان برترین امت و هدایتگر هستند و کسی با آنان برابر نیست. البته در میان خود، دارای مراتبی هستند که سه خلیفه اول سرآمد دیگران‌اند. این باور، بر مبنای روایاتی از جمله روایت عبدالله بن عمر استوار است که حاکی از عمل اصحاب و تأیید ضمنی پیامبر ﷺ است و به همین دلیل، فراوانی نقل فضایل، امکان برهم زدن این ترتیب را ندارد.

باور احمد در مورد خلافت، مطابق با ترتیب وقوع تاریخی آن است و بر روایت سفینه استوار است. او در تأیید باور خود، روایاتی آورده که در آن علاوه بر اینکه وصایت امام علی عليه السلام نفی می‌شود، بلکه مؤید خلافت سه خلیفه اول از زبان پیامبر ﷺ است. همچنین، در تلاش برای اثبات مشروعیت خلافت عثمان، اعمال او را منتسب به دستورات پیامبر عليه السلام کرده و با توجه به روایاتی که نقل می‌کند، مخالفان او محکوم به تعدی و ظلم

۱. احمد، مسند، ج ۱، ص ۵۲۵.

۲. همان، ص ۵۰۲-۵۰۳.

۳. همان، ج ۳۵، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۴. برای نمونه، ر.ک: احمد، مسند، ج ۳، ص ۴۱ و ۳۱؛ همان، ج ۳۰، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ همان، ج ۴۰، ص ۳۴۹-۳۵۰؛ همان، ج ۴۵، ص ۱۷۵.

۵. برای نمونه، ر.ک: احمد، مسند، ج ۲، ص ۶۹۴؛ همان، ج ۱۱، ص ۴۲؛ همان، ج ۲۵، ص ۲۹۰؛ همان، ج ۳۱، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ همان، ج ۵۰، ص ۵۱-۵۱۱.

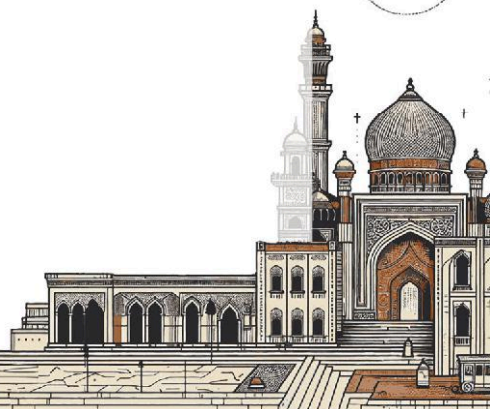




می‌شوند. احمد همچنین، برای مشروعیت‌بخشی به خلافت امام علی علیه السلام و رفع شبهات نیز استدلال‌هایی دارد و می‌کوشد تا برای تحکیم آنها، از روایات و اخبار بهره بگیرد و مردم را از مشغول شدن به شبهات وارده بر حذر دارد.

در یادکرد صحابه که در ۳ محور: «نقل و انکار فضایل، اخبار ذم و مشاجرات» مورد مطالعه قرار گرفت، مشخص می‌شود که چگونگی نقل روایات و اخبار و سخن گفتن در مورد صحابه، برای احمد از اهمیت والایی برخوردار است. او معتقد به بزرگداشت تمام صحابه بود و از انکار فضایل منع می‌کرد. عمده روایات فضایل او، مربوط به راشدین است که تقوا، جایگاه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و نقش آنان در اسلام، مورد توجه قرار دارد. وی به‌عنوان یک محدث، توجه ویژه‌ای به نقل فضایل امام علی علیه السلام دارد و روایات مهم و فراوانی را نقل کرده؛ اما برای حفظ ترتیبی که به آن معتقد است، به تفسیر آن روایات توجه نمی‌کند. او دیگران را از اخبار ذم منع می‌کرد؛ اما نسبت به گردآوری اسناد آن، همت می‌گماشت. احمد در مورد اخبار مشاجرات نیز نگاهی مشابه اخبار ذم داشت و مانند آن عمل می‌کرد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت در عین حال که پایه‌های اعتقادی احمد حنبل بر اساس روایات مورد وثوقش شکل گرفته، اما او برای تأیید و تکمیل باورهایش و همچنین پاسخ به منتقدان و مخالفان، به سمت روایات و اخباری گرایش پیدا کرده است که با باور اولیه او همخوانی داشته باشند. احمد در این مسیر، محدثی توانا، راسخ و متبع است که می‌کوشد تا در نقل روایات، از اصول اعتقادی‌اش خارج نشود و به سوی روایات مؤید خود حرکت کند.





منابع

ابن ابی یعلی، ابی الحسین محمد، بی تا، طبقات الحنابلة، تصحیح: محمد حامد الفقی، قاهره، مطبعة السنة المحمدية.
ابن احمد، صالح، ۱۹۸۴م، سيرة الامام احمد بن حنبل، تحقیق: فؤاد عبدالمنعم، اسکندریه، مؤسسة شباب الجامعة، دار الکتب.

ابن احمد، عبدالله، ۱۴۰۶ق، کتاب السنة، تحقیق: محمد بن سعید بن سالم القحطانی، دامام، دار ابن قیم.

ابن جوزی، عبدالرحمن علی بن محمد، ۱۴۰۹ق، مناقب الامام احمد بن حنبل، تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، امبابه (مصر).

ابن حنبل، احمد، ۱۴۱۶ق، مسند، تحقیق: شعیب ارنؤوط، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الرسالة.

ابن حنبل، احمد، ۱۴۰۳ق، فضائل الصحابة، تحقیق: وصی الله ابن محمد عباس، مکه، دار العلم.

ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق: علی محمد الجاوی، چاپ اول، بیروت، دار الجیل.

ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن شافعی، ۱۴۱۵ق، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر.

ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، ۱۴۱۲ق، الاختلاف فی اللفظ والرد علی الجهمية والمشبهة، تحقیق: عمر بن محمود ابوعمر، چاپ اول، ریاض، دار الراهة.

احمدی، عبدالله بن سلمان بن سالم، ۱۴۱۲ق، المسائل والرسائل المروية عن الامام احمد بن حنبل فی العقيدة، ریاض، دار الطیبة.

استنفورد، مایکل، ۱۳۹۳ش، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه: مسعود صادقی، چاپ هفتم، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.

انصاری، حسن، ۱۳۷۳ش، مدخل «احمد بن حنبل»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، زیر نظر: سید محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران.

امیری روح الهی، زهرا، ۱۳۹۰ش، «زمینه های شکل گیری اندیشه های احمد بن حنبل»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال ۱۲، شماره ۴۸.

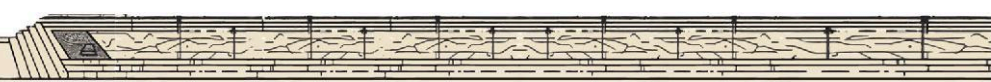
بغدادی، خطیب، ۱۴۱۷ق، تاریخ بغداد، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.

جاحظ، عمرو بن بحر، ۱۴۱۱ق، العثمانیة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، بیروت، دار الجیل.

جاحظ، عمرو بن بحر، ۲۰۰۲م، رسائل الجاحظ؛ الرسائل السیاسیة، تحقیق: علی ابوملحم، چاپ دوم، بیروت، دار ومکتبة الهلال.

جبرین، عبدالله بن عبدالرحمن، ۱۴۲۰ق، شرح اصول السنه احمد بن حنبل، تصحیح: علی بن حسین ابولوز، چاپ دوم، ریاض، مکتبة دار المسیر.

جعفریان، رسول، ۱۳۹۱ش، تاریخ تشیع در ایران، چاپ پنجم، تهران، نشر علم.





جعفریان، رسول، ۱۳۷۹ش، «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اہل سنت»، ہفت آسمان، دورہ دوم، شمارہ پنجم: ۱۴۵ - ۱۷۷.

خلال، ابی بکر احمد بن محمد بن ہارون بن یزید، ۱۴۱۵ق، السنۃ، تحقیق: عطیہ بن عتیق الزہرائی، چاپ دوم، ریاض، دار الرایۃ.

حموی، شہاب الدین ابو عبد اللہ یاقوت بن عبد اللہ، ۱۹۹۵م، معجم البلدان، چاپ دوم، بیروت، دار صادر.

ذہبی، شمس الدین محمد بن احمد، ۱۴۱۳ق، تاریخ الاسلام ووفیات المشاہیر والاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی.

ذہبی، شمس الدین محمد بن احمد، ۱۴۱۳ق، سیر اعلام النبلاء، شعیب الأرنؤوط، الطبعة التاسعة، بیروت، مؤسسة الرسالة.

سمعانی، عبد الکریم بن محمد، ۱۳۸۲ق، الانساب، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، چاپ اول، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة.

طباطبائی، سید کاظم، بہار و تابستان ۱۳۷۷ش، «جلوہ های تشیع در مسند احمد»، مطالعات اسلامی، دانشکدہ الہیات و معارف مشہد، شمارہ ۳۹ و ۴۰: ۲۹ - ۵۶.

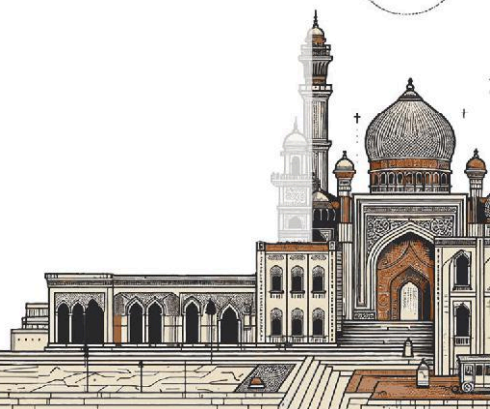
عسقلانی، ابن حجر، ۱۴۱۵ق، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.

عسقلانی، ابن حجر، ۱۳۷۹ق، فتح الباری بشرح صحیح امام بخاری، عبدالعزیز بن عبد اللہ بن باز، محب الدین خطیب، محمد فؤاد عبد الباقی، المكتبة السلفية.

فیاض انوش، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش، «ناکارآمدی ارزش زدایی از روایات تاریخی»، دوفصلنامہ علمی - پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزہراء، سال بیستم، دورہ جدید، پایہ ۸۶، شمارہ ۶.

الموسی، سعد بن موسی بن حمد، ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ق، النصوص التاریخیة فی مسند الامام احمد ابن حنبل (۲۴۱ق) عن فترة الخلفاء الراشدين، مکة، جامعة ام القرى.

ناشی اکبر، ۱۹۷۱م، مسائل الإمامة، تحقیق: یوسف فان اس، بیروت.





References

- Ibn Abi Ya'li, Abi Hossein Mohammad, Bitā, *Tabaqat al-Hanabelah*, revised by: Mohammad Hamed al-Faqi, Cairo, Sonnāh al-Mohammadiya Publishing House.
- Ibn Ahmad, Saleh, 1984 A.D, *The biography of Imam Ahmad ibn Hanbal*, research: Fouad Abd al-Mon'em, Alexandria, Shabab al-Jamaa institute, Dar al-Kotob.
- Ibn Ahmad, Abdollah, 1406 A. H, *Ketab al-Sonnāh*, research: Mohammad ibn Sa'eed ibn Salem al-Qahtani, Dammam, Dar al- Ibn Qayyem.
- Ibn Jozi, Abdol-Rahman Ali ibn Mohammad, 1409 A. H, *in the name of Imam Ahmad ibn Hanbal*, research: Abdollah ibn Abdol-Mohsen al-Turki, Embabeh (Egypt).
- Ibn Hanbal, Ahmad, 1416 A. H, *Musnad*, research: Sho'aib Arnout, first edition, Beirut, Al-Resalah institute.
- 1403 A. H, *Fazael al- Sahabeh* , research: Vasiollah ibn Mohammad Abbas, Mecca, Dar al- Elm.
- Ibn Abd al-Bar, 1412 A. H, *Al-Esti'ab fi Marefat al- Sahaab*, research: Ali Mohammad Al-Bajawi, first edition, Beirut, Dar al-Jeil.
- Ibn Asaker, Abu al-Qasem Ali ibn Hassan Shafi'i, 1415 A. H, *History of the city of Damascus*, research: Ali Shiri, Beirut, Dar al-Fekr.
- Ibn Qotaibeh Dinuri, Abdollah ibn Moslem, 1412 A.H., *Al-Dhihab fi Lafz va Al Rad Al-Jahmiyyah and Moshabbahah*, research: Umar ibn Mahmoud Abu Umar, first edition, Riyadh, Dar Al-Rayah.
- Ahmadi, Abdol-Elah ibn Salman ibn Salem, 1412 A. H, *al-Masael va al-Rasael al-Marawiyah from Imam Ahmad ibn Hanbal fi al-Aqeedah*, Riyadh, Dar al-Tayyebah.
- Stanford, Michael, 2013, *an introduction to historical research*, translated by: Massoud Sadeghi, 7th edition, Tehran, Imam Sadegh University (A. S) and Organization for the Study and Compilation of Universities' Humanities Books.
- Ansari, Hassan, 1373, *entry "Ahmad ibn Hanbal"*, Islamic Encyclopaedia, Volume 6, under the supervision of Seyyed Mohammad Kazem Mousavi Bojnoordi, Tehran.
- Amiri Ruhollahi, Zahra, 2013, *"The Fields of Formation of Ahmad ibn Hanbal's Thoughts"*, Islamic History Quarterly, Year 12, Number 48.
- Baghdadi, Khatib, 1417 A.H., *History of Baghdad*, first edition, Beirut, Dar al-Kotob al-Elamiyah.
- Jahez, Amr ibn Bahr, 1411 A. H, *Al-Othmaniyah*, research: Abdol salam Mohammad Haroun, first edition, Beirut, Dar al-Jeil.
- Jahez, Amr ibn Bahr, 2002, *Rasa'el al -Jahez; Al-Rasael al-Siasiyah*, research: Ali Abol Molhem, second edition, Beirut, Dar al -Helal.





- Jabrin, Abdollah ibn Abdol-Rahman, 1420 A.H., *Commentary on the Principles of the Sunnah of Ahmad ibn Hanbal*, revised by: Ali ibn Hossein Aboluz, second edition, Riyadh, Dar al-Masir School.
- Jafarian, Rasul, 2013, *History of Shiism in Iran*, 5th edition, Tehran, Elm publication.
- Jafarian, Rasul, 1379, "*The role of Ahmad ibn Hanbal in modifying Sunni religion*", Haft Asman, second period, fifth issue: 177-145.
- Khelal, Abi Bakr Ahmad ibn Mohammad ibn Harun ibn Yazid, 1415 A. H., *Sunnah*, research: Atiyah ibn Atiq al-Zahrani, second edition, Riyadh, Dar al-Raya.
- Hamawi, Shahab al-Din Abu Abdollah Yaqut ibn Abdollah, 1995, *Mo'jam al-Boldan*, second edition, Beirut, Dar al Sadir.
- Zahabi, Shamsoddin Mohammad ibn Ahmad, 1413 A.H., *Tarikh al-Islam and the death of famous people*, research: Omar Abdol-Salam Tadamri, second edition, Beirut, Dar al Kitab al Arabi
- Zahabi, Shamsoddin Mohammad ibn Ahmad, 1413 A. D., *Seir Elaam al- Nabal'* , Shu'aib al-Arnout, 9th edition, Beirut, Al-Risalah institution.(
- Samani, Abdol -Karim ibn Mohammad, 1382 A. H, *Al-Ansab*, research: Abdol-Rahman ibn Yahya al-Moallami, first edition, Heidarabad, Ottoman Encyclopaedia Council.
- Tabatabaei, Seyyed Kazem, spring and summer 1377, "*Effects of Shiism in Musnad Ahmad*", Islamic Studies, Mashhad Faculty of Theology and Education, No. 39 and 40: 56-29.
- Asqalani, Ibn Hajar, 1415 A.H., *the injury in distinguishing the Companions*, research: Adel Ahmad Abd al-Mojood and Ali Mohammad Moawad, first edition, Beirut, Dar al-Kutub al-Elamiyah.
- Asqalani, Ibn Hajar, 1379 A. H., *Fath al-Bari with the correct interpretation of Imam Bukhari*, Abdol Aziz ibn Abdollah ibn Baz, Moheboddin Khatib, Mohammad Fouad Abdol Baqi, al-Maktab al-Salafiyah.
- Fayyaz Anoush, Autumn and Winter 2019, "*The Inefficiency of Devaluing Historical Narrations*", Al-Zahra University Historiography bimonthly, 20th year, new period, serial 86, number 6.
- Al-Mousa, Sa'ad ibn Musa ibn Hamad, 1415-1416 A. H, *al-Nusus al-Tarikhiyah fi Musnad of Imam Ahmad Ibn Hanbal (241 A. H) in time of Caliphs of the Rasheduns*, Mecca, Umm al-Qari Society.
- Nashi Akbar, 1971 A.D, *Problems of the Imamate*, Research: Youssef Fan S, Beirut.

